امیر رجبی / ایران

با گران شدن خودرو و دلار، کار و کاسبی اوراقچی‌ها رونق گرفته است

داستان ماشین‌ها در خاور دور

یوسف حیدری
گزارش نویس

غلام، ردیف کانتینرها را نشانم می‌دهد و می‌گوید ۸۰۰ تا کاسب اینجا کار می‌کنند و همه هم اهل یکی از روستاهای اراک هستند: «۳۰ سال است که توی این کار هستم و این شغل برای همه ما موروثی شده.» هر کانتینر اوراق فروشی یک مدل ماشین است. غلام می‌گوید: «یکی توی کار ماشین‌های خارجی است، یکی تاکسی فرسوده می‌خرد و قطعاتش را می‌فروشد، یکی هم ماشین‌های قدیمی را اوراق می‌کند. پمپ قیرپاشی جمع می‌کنند و... یک سری هم دوره گرد هستند و قطعه می‌خرند و می‌برند این طرف و آن طرف برای فروش.»

در ورودی خاورشهر جاده امام رضا(ع) اگر کامیون‌هایی را که ماشین‌های تصادفی و اوراقی حمل می‌کنند دنبال کنی بعد از کوچه‌های صنعت به گاراژ ۶۰ متری‌ها می‌رسی. جایی که اسکلت آهنی ماشین‌ها روی هم تلنبار شده و کنارش هم دل و روده آنها را روی هم چیده‌اند. ماشین‌هایی که روزگاری سلاطین جاده بوده‌اند و خیلی از دهه پنجاهی‌ها و شصتی‌ها با آنها خاطره دارند. از هیلمن و ژیان بگیر تا جیپ و آهو. خودروهای تصادفی مچاله شده هم یک گوشه روی هم افتادند.

«آقا سرسیلندر مزدا دارید؟» با اشاره یکی از استوک فروش‌ها از ماشین پیاده می‌شود. می‌گوید باید سرسیلندر عوض کنم اما فابریک آن در نمایندگی‌ها نیست و اگر هم باشد چینی است که به درد نمی‌خورد.»

غلام می‌گوید: «اینجا برای ما تـه دنیا است؛ نه آب داریم نه برق نه امکانات.» او با دست شیر آبی را که از زمین بیرون زده نشانم می‌دهد و می‌گوید: «تو این بیابان برهوت همین یک چاه آب را داریم که هفته‌ای سه روز پمپش خراب است. دیروز از هر دکان ۵۰ هزار تومان برای تعمیر پمپ جمع کردیم. ۴ سال پیش وقتی ما را از شوش روانه اینجا کردند خیلی چیزها را از دست دادیم. البته با این وضعیت دلار، گران شدن لوازم یدکی و پرشدن جنس چینی توی بازار ما هنوز مشتری خودمان را داریم و خیلی‌ها به امید پیدا کردن جنس مرغوب دست دوم اینجا می‌آیند ولی خب شوش کجا اینجا کجا. انگار از شهر پرتمان کرده‌اند بیرون.»

او درباره اینکه چطور از میدان شوش به سمت بیابان‌های خارج از شهر رانده شده‌اند می‌گوید: «سال قبل گفتند شغل شما جزو مشاغل مزاحم است و باید از شهر خارج شوید. نسل در نسل ما توی این کار بوده‌اند و سال‌ها توی میدان شوش برای خودمان مغازه داشتیم. وقتی گفتند طبق قانون باید از شهر بیرون بروید گفتیم چشم و آمدیم تو این بیابان اما نه اینکه هیچ امکاناتی نداشته باشیم. این همه آدم یک دستشویی دارند. این واقعاً درست است؟»

خیرالله که چشمش به عکس سرسیلندری است که مشتری با گوشی نشان می‌دهد، دنباله حرف غلام را می‌گیرد و می‌گوید: «قیمت استوک سرسیلندر یک میلیون و ۹۰۰ هزار تومن است. اگر فابریکش پیدا شود ۳ میلیون تومن آب می خورد که آن هم یک هفته بعد دوباره خراب می‌شود. اینجا مشتری به شرط از ما جنس می‌خرد و اگر مکانیک تأیید نکرد و سالم نبود می‌تواند برگرداند.

واضافه می کند:« البته با این وضعی که توی این بیابان داریم، کرونا هم حسابی به کار و کاسبی ما ضرر زده. شما ببین از صبح تا الان یک مشتری هم نداشتم. کسی از ترس کرونا بیرون نمی‌آید. این هم از وضع اینجا؛ قبلاً که شوش بودیم آب و برق و همه امکانات لازم را داشتیم اما الان هیچی نداریم. ۸۰۰ نفر اینجا کار می‌کنند و کلی مشتری می‌آید و می‌رود. آن وقت برای این همه آدم فقط یک دستشویی داریم. امکانات را هم دادند به دور و بر. چندبار اعتراض کردیم و به فرمانداری شهر ری نامه دادیم ولی بازهم اهمیتی به ما نمی‌دهند.»

از خیرالله می‌پرسم چطور یک ماشین اوراقی می‌شود؟ برای پاسخ به دو دستگاه وانت مزدا اشاره می‌کند و می‌گوید: «همه این‌هایی که اینجا کار می‌کنند خبره هستند و با یک نگاه می‌توانند تشخیص دهند این ماشین چند تا قطعه به درد بخور دارد. شرکت‌ها و ادارات مختلف دولتی وقتی آگهی مزایده ماشین اوراقی و از کار افتاده منتشر می‌کنند، همکاران ما هم شرکت می‌کنند و وقتی برنده شدند برگه اوراقی صادر می‌شود و ماشین که به اینجا رسید، قطعه قطعه می‌شود.»

او درمورد وضع مالی اوراقچی‌ها می‌گوید: «اگر سرمایه دار بودند برای خودشان توی شهر گاراژ می‌خریدند و همه امکانات را هم داشتند. همه از ناچاری اینجا پناه آورده‌ایم»

خیرالله از تفاوت قطعات و لوازم یدکی مغازه‌های لوازم فروشی و اینجا می‌گوید: «قطعه‌ای که از مغازه به اسم فابریک می‌گیری چند روز بیشتر کار نمی‌کند. همین تاسوعا با ماشین می‌رفتم اراک که پمپ باک سوخت. ساعت ۱۰ شب به یکی از اقوام زنگ زدم که بنده خدا یک پمپ نو چینی برایم آورد. باور کن همین که انداختم توی ماشین نیم سوز شد. یعنی درجا نیم سوز شد. با مکافات تا اراک رفتیم و زنگ زدم اینجا یکی از بچه‌ها برایم پمپ فرستاد که هنوز هم مثل ساعت کار می‌کند.»

> از خیرالله می‌پرسم چطور یک ماشین اوراقی می‌شود؟ برای پاسخ به دو دستگاه وانت مزدا اشاره می‌کند و می‌گوید: همه این‌هایی که اینجا کار می‌کنند خبره هستند و با یک نگاه می‌توانند تشخیص دهند این ماشین چند تا قطعه به درد بخور دارد. شرکت‌ها و ادارات مختلف وقتی آگهی مزایده ماشین اوراقی منتشر می‌کنند، همکاران ما هم شرکت می‌کنند و وقتی برنده شدند برگه اوراقی صادر می شود و ماشین که به اینجا رسید، قطعه قطعه می‌شود

تا چشم کار می‌کند قطعات خودرو می‌بینی که تا چند سال قبل کنارهم چرخ‌های ماشین را حرکت می‌دادند. آنهایی که سالم باشند دیر یا زود روی خودرو دیگری سوار می‌شوند و بقیه به کارخانه‌های ذوب اصفهان و اهواز می‌روند. اینجا همه چیز سیاه و سفید است حتی رنگ کانتینرها. عباس با دست یک مزدا وانت را نشانم می‌دهد و می‌گوید: «آن ماشین را ببین، همه چیزش فابریک ژاپن است. اگر چیز سالمی ازش دربیاید فابریک است. اینجا قطعه‌ای که به مشتری می‌دهیم فابریک است چون اگر نبود سال‌ها روی این ماشین‌ها کار نمی‌کرد. از هر ماشین حداقل ۱۰۰ قطعه درمی‌آید. قطعات خراب و غیرقابل استفاده را می‌فرستیم برای ضایعات و بقیه راهمین جا انبار می‌کنیم تا مشتری‌اش پیدا بشود. گاهی یک سال طول می‌کشد تا این قطعه‌ها فروش برود. آنهایی که جنس نو می‌خواهند می‌روند «چراغ برق» اما اگر کسی استوک بخواهد می‌آید اینجا. آنجا قیمت‌ها با دلار بالا و پایین می‌شود اما ما با ریال کار می‌کنیم. هرچی قیمت قطعات لوازم یدکی بالاتر می‌رود مشتری ماهم بیشتر می‌شود.

کارمندی که ماهی ۳ میلیون حقوق می‌گیرد زورش نمی‌رسد قطعه آکبند بخرد. برای خیلی‌ها خرید از اینجا باصرفه است. از طرفی ما مثل مغازه جنس متفرقه دست مشتری نمی‌دهیم. اینجا اصل جنس به مشتری داده می‌شود. خیلی از مشتری‌های ما تلفنی هستند و ما را می‌شناسند. باور کن کار ما از لوازم یدکی فروشی‌های شهر بهتر است ولی خب اسمش بد دررفته. اینجا هم هرکسی مشتری خودش را دارد. از شهرستان هم زنگ می‌زنند و سفارش می‌دهند. همین الان دوتا سرسیلندر پژو سفارش دادند که داریم بسته‌بندی می‌کنیم بفرستیم شهرستان. اصل مشتری‌های ما مکانیک‌های شهرستان‌ها هستند.»

اوراقچی‌ها می‌گویند غیر از مکانیک‌ها تا کسی موتور نسوزاند پایش به اینجا باز نمی‌شود چون معمولاً فکر می‌کنند به صرفه نیست برای یک چراغ یا سپر کلی کرایه بدهند یا بنزین مصرف کنند و خودشان را به بیابان اوراقچی‌ها برسانند. خیرالله می‌گوید: «کسی که پول دارد پایش به اینجا نمی‌رسد. ماشین را می‌گذارد مکانیکی و می‌رود دنبال کار خودش. مکانیک هم از ما جنس فابریک می‌گیرد و می‌اندازد روی ماشین.»

سعید به یکی از خودروهای مچاله شده اشاره می‌کند و می‌گوید: «همه این ماشین‌ها را از سایت حسن آباد و توی مزایده می‌خریم و می‌آوریم اینجا. این ماشین‌ها غیرقابل بازسازی‌اند و بالای ۶۰ درصد تخریبی هستند و دیگر پلاک نمی‌شود.» او در مورد تفاوت قیمت‌ها می‌گوید: «گیربکس آکبند ۴ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان است اما اینجا با ۲ میلیون تومان می‌توانی استوکش را بخری که به نظر من خیلی هم بهتر است.»

ساعت از ۱۲ ظهر گذشته و مشتری‌های قطعات استوک تازه دارند وارد محوطه می‌شوند. مردی که با همه خانواده در حال دورزدن است و بچه‌ها با تعجب از پنجره سرشان را بیرون آورده‌اند و به ماشین‌های مچاله نگاه می‌کنند، با دیدن من شیشه را پایین می‌کشد و می‌گوید: «آقا دستگیره در پژو کجا می‌تونم پیدا کنم؟» یکی از فروشنده‌ها که متوجه سؤال راننده شده، سر برمی‌گرداند و می‌گوید یعنی توی شهر یک دستگیره در پیدا نکردی که آمدی اینجا؟ مرد جواب می‌دهد: «هست، چینی‌اش هست که به درد نمی‌خورد.» بچه‌ها همچنان با تعجب دور و بر را نگاه می‌کنند و قصه سرنوشت هر ماشین را برای هم تعریف می‌کنند.

جدول سودوکو ۳۴۸۱

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

آسان

۳		۱		۷				۲
	۸			۹	۲			۱
۷					۶		۹	
	۳				۹	۵	۴	
۲				۷	۵			۶
	۵	۷	۸				۳	
	۱			۵				۳
۸				۱	۹		۲	
۹				۲		۱		۵

متوسط

۵		۹	۱		۸	۳		
	۶		۷					
		۸	۶				۷	۵
			۲				۴	۳
۳		۲				۶		۱
۸	۴				۵			
۶	۸				۲	۵		
					۱		۳	
۹		۳	۵		۴	۲		۹

سخت

				۱		۶		۲
۲	۷				۵		۳	
	۶					۷	۳	
۱			۲	۶	۸			۵
						۴		
	۴	۸		۲			۱	
							۴	۳
۶		۵			۳			

خیلی سخت

	۹		۳	۱	۶			
	۷					۶		
۸			۹					
	۳	۲			۴			
		۶				۵		
			۷			۹	۶	
					۱			۸
		۴					۹	
			۵	۲	۹		۳	

حل جدول سودوکو شماره ۳۴۸۱

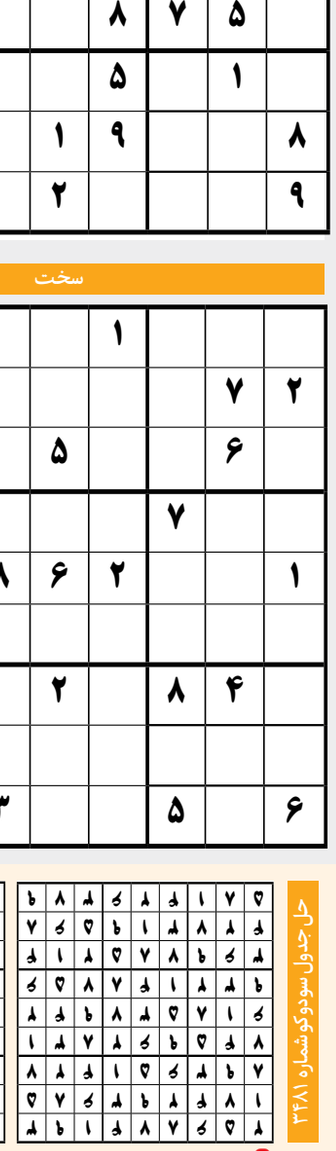

یک جدول با دو شرح ۷۴۴۷

جدول روزنامه *ایران* دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

جدول عادی

افقی:
۱- رشته ای در دانشگاه- چسبان و کیپ هم
۲- همراه«داماد»- سرسرای هتل- جنب و جوش
۳- ادب آموزی- سلام- جاندانه
۴- سوگند- بادست به جلو راندن- دیوانگی و شیفتگی- میان برنامه تلویزیونی
۵- روستا- بی شمار- صدا
۶- جانور درختی استرالیا- پیروی- طفره
۷- مادر زبان‌های اروپایی- مهاجم «گل گهر» با نام یونس- کشور آسیایی
۸- برنج فروش- بی میلی و بی زاری- صفت سیب زمینی!
۹- ورودی خانه- جزیره مافیایی- پیرومانی
۱۰- بوسیله- امروزی- بردمعروف
۱۱- سازمان خواربار و کشاورزی جهانی- آب میوه- تکان
۱۲- عظیم الجثه- خواستار- مخفف که او- سرخنای
۱۳- مهربانی- گریه وزاری- کشیدن و نقش کردن
۱۴- برگشته- نیک نگریستن- دختر گشتاسب
۱۵- مادربزرگ- فیلمی از «ابوالقاسم طالبی» با هنرنمایی امین حیایی و دکتر محمود عزیزی

عمودی:
۱- با عقیده- از شعرای رمانتیک انگلستان که علاقه خاصی به ایران باستان داشت
۲- مترسک- نوعی هیوندا- شاه شاهان مغولی
۳- از اعداد ترتیبی- بوستان فرزانگان- بازیچه کودکان
۴- یک دهم- انگور خشکیده- ضمیر چهارم- داخل
۵- افترا- یکی از فلزات نمکی- غرزدن
۶- پهلوان- یاقوت سرخ- مرکز«ارمنستان»
۷- پیشوند ضد- اثر باستانی «زنجان»- ایالتی در «امریکا»
۸- نوعی زمرد- پاسخ دلگرم کننده- کفر
۹- ناله- مشق های شب دانش آموز- سراسر، کل
۱۰- یک بار دیگر- ظرف پوستی آب- پایمال شده
۱۱- هنوز بیگانه- فراموشکار- فرشته مغضوب
۱۲- قلیل- ساز قلمی- شهری در استان «کردستان»- شاعر معاصر
۱۳- خَطُ القَعر- از ظروف آشپزخانه- قالبی در شعر
۱۴- آمال کوهنوردان- پشت نویسی اسناد مالی- پیاپی
۱۵- میوه‌ای از نوع تره بار- اکسیر

جدول ویژه

افقی:
۱- بانوی رمان نویس «سوئدی» و اولین زن برنده جایزه نوبل در ادبیات- گریه بچه
۲- قدرت- قتل سیاسی- نوراندک
۳- پتال- نگاه کردن- خودشخص
۴- خوراک پیراشکی مانند- رود بزرگ- نبات- نوعی پخت برنج
۵- از خواهران برونته- پوشه رایانه‌ای- کوچه قدیمی تهران در مجاورت خیابان «ناصرخسرو»
۶- حکمی که نفس را در سینه مجرم حبس می کند- از صنایع شعر- مگر
۷- جوشیدن- آپارتمان کوچک و مجهز- امرازنوشیدن
۸- آرزوها- نام سازی- اکنون
۹- بامحرم اسرار بگویید- جارو جنجال- بوق
۱۰- پول سامورایی ها- شالی نفیس- مجلل
۱۱- مقابل «شمال»- ماه سریانی- رازیانه
۱۲- زائل کردن- یار عروس- شهری در «فرانسه»- واحدی شمارشی در شیمی
۱۳- ورزش هیجان انگیز- پول «کانادا»- مدد
۱۴- پادشاه خونخوار قوم هون- ادای عهد- راه یافتن و نفوذ
۱۵- درجه حرارت- مخترع «فلش مموری»

عمودی:
۱- سوغات «قزوین»- از آثار تاریخی/ دیدنی استان تهران حوالی روستاهای آزادبرو کهنه ده
۲- شهری در استان «آذربایجان شرقی»- دریاچه «سوئیس»- بخشنده قبیله‌طی
۳- از مراتب علمی دانشگاهی- بادخنک- نام کوچک «رابرتز» بازیگر
۴- زادگاه خلیل‌الله- پرکار- بدن- پهلوان
۵- بازکردن- محله قدیمی و سرسبز تهران- حرف تأسف
۶- گوشت آذری- فیلم «پرویز شهبازی»(۱۳۹۹)- تخم مرغ عسلی
۷- مدور و دایره شکل- برنج ایرانی- نانی است نازک
۸- کارش سفید کردن ظروف مسی است- میان برنامه- آخرین
۹- به شیوه اشراف- کشوری در شاخ آفریقا- وصله هنری
۱۰- فقط... است که می ماند- پل- والده
۱۱- جانور دریایی- شهری در «افغانستان»- ابروی زیبا
۱۲- کلام شگفتی- بس- ظرف آزمایشگاهی مخروطی شکل- رودسرحدی
۱۳- متضاد «خروجی»- بچه- مارکی برخودرو
۱۴- هوای خنک- نام «هیل» بازیگر، فیلمنامه نویس و صداپیشه امریکایی- صندلی چرخدار کودک
۱۵- استتوسکوپ- نامی دخترانه

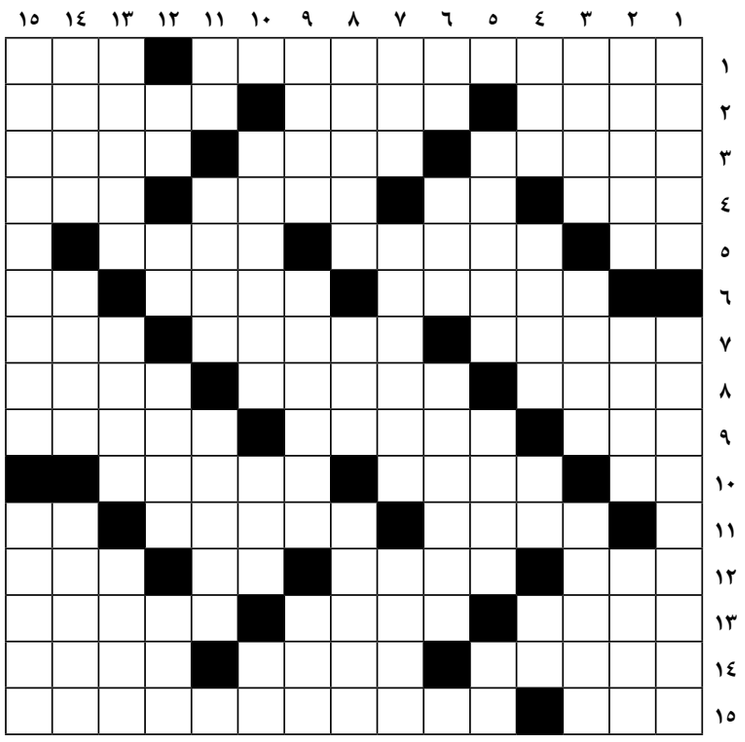

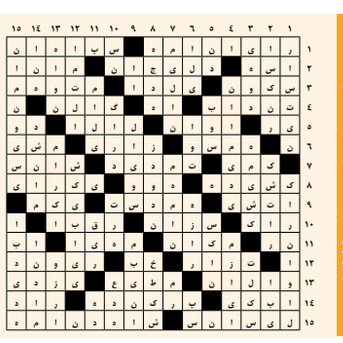
حل جدول عادی شماره ۷۴۴۶

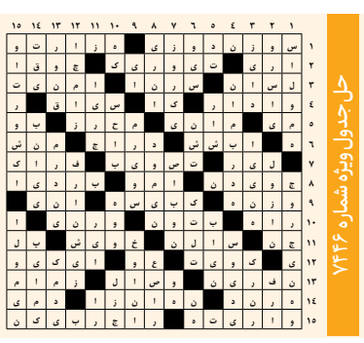
حل جدول ویژه شماره ۷۴۴۶